

همکاری گروه بریکس در مواجهه با چالش‌های امنیتی خاورمیانه: فرصت‌ها و موانع

محمد لعل علیزاده^۱، محمدرضا صالحی وثیق^۲، علی اکبرپور آلمه جوقی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۵

چکیده:

یکی از قابلیت‌های مهم گروه بریکس، می‌تواند در راستای همکاری بین کشورهای عضو آن در رسیدگی به چالش‌های امنیتی رایج در جهان و به‌طور مشخص در خاورمیانه باشد. هدف این مقاله، بررسی مکانیسم‌ها و اثربخشی همکاری بریکس در برخورد با چشم‌انداز پیچیده امنیتی منطقه خاورمیانه است. با روش توصیفی-تحلیلی و مرور منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای و همچنین در چارچوب تئوری بازی‌ها و کسب بهترین منافع برای اعضای بریکس، این نتیجه حاصل شد که فرصت‌های امنیتی بریکس شامل رویکردهای دیپلماتیک، مکانیسم‌های حل مناقشه، همکاری‌های منطقه‌ای و ظرفیت مزایای بالقوه همکاری، جایگاه این گروه را در تقویت امنیت منطقه‌ای خاورمیانه افزایش می‌دهد که برآیند آن، هم‌افزایی امنیت در خاورمیانه است. اما نگرانی‌ها در مورد جنگ قدرت بالقوه، عدم اعتماد کشورهای عضو به یکدیگر، تفاوت‌ها در منافع ملی، تنش‌های ژئوپلیتیکی، ائتلاف‌های منطقه‌ای رقابتی، پویایی‌های سیاسی و درگیری‌های تاریخی که ممکن است مانع از همکاری مؤثر شود، مانع از اثربخشی آن‌ها در رسیدگی به چالش‌های امنیتی منطقه می‌شود.

واژگان اصلی: گروه بریکس، چالش‌های امنیتی، خاورمیانه، تقابل و همکاری، فرصت‌ها و موانع.

m.lalizadeh@pnu.ac.ir

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

۳. کارشناسی ارشد رشته علوم سیاسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه پیام نور قوچان، قوچان، ایران

۱- مقدمه

منطقه خاورمیانه از دیرباز به دلیل ارتباطات مذهبی و فرهنگی آن، موقعیت محوری استراتژیک، ذخایر عظیم نفت، درگیری‌های متقابل و غیرقابل تحمل، و همچنین تهدیدات امنیتی عمده مانند تروریسم و خطر گسترش تسلیحات هسته‌ای بوده است. خاورمیانه در حال تغییرات امنیتی است. در دوران ترامپ، امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه تغییر کرد. امنیت و قدرت در هر منطقه‌ای، با ظهور نسل جدیدی از جوانان قدرتمند که قدرت سیاسی را با شدت مورد سؤال قرار می‌دهند، تحت تأثیر قرار می‌گیرد. خروجی بهار عربی عموم جهانیان و سیاست‌گذاران را ناامید کرد. منطقه به واسطه مناقشات ملی و فراملی و جدایی‌گزینی فرقه‌ای، خشونت زده و بدمنظر شده است. قدرت و امنیت در کشورهای خاورمیانه متکثر شده است. ماهیت امنیتی در سیاست خاورمیانه مبتنی بر شروع جنگ‌های نیابتی و بازیگران غیردولتی است. بازیگران غیردولتی فعال در منطقه هم نشانه ضعف دولت‌ها و تقویت‌کننده تهدیدات علیه آن‌هاست. منطقه خاورمیانه که با صادرات هیدروکربنی پایه امنیت اقتصادی شناخته می‌شود، با تهدیدات زیادی مواجهه است. بررسی منطقه نشان می‌دهد که در جریان آشفتگی تاریخی و با چالش‌های عظیم روبرو است. ایالات متحده، روسیه و سایر کشورهای اروپایی دارای منافع اقتصادی و امنیتی حیاتی در منطقه هستند. علاوه بر این، آنچه در خاورمیانه اتفاق می‌افتد، به مناطق دیگر گسترش خواهد یافت و در خاورمیانه باقی نمی‌ماند. در چنین وضعیتی، سیاست و استراتژی غرب به بی‌ثباتی، آشفتگی و گذار قدرت منجر می‌شود.

برای کنترل و هدایت این فرایند، سیاست جهانی نیاز به مدل همکاری امنیتی عملیاتی با سایر قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه و عربستان سعودی دارد. در این زمینه، گسترش بریکس اهمیت زیادی دارد. این گروه می‌تواند صدایی قدرتمند به تلاش برای اصلاح نظم جهانی بدهد، به تبلور و تدوین محتوای این اصلاحات کمک کند، و نسخه جهانی از چندجانبه‌گرایی را به نمایش بگذارد. بعلاوه، این گروه احتمالاً با حمایت از معماری جدید مالی جهانی، دلارزدایی از اقتصاد جهانی و تضعیف رژیم‌های تحریمی غرب، تأثیر بیشتری در حوزه اقتصادی خواهد داشت. تلاش‌های مشترک آن‌ها فراتر از ملاحظات اقتصادی برای رسیدگی به مسائل مهم جهانی، از جمله نگرانی‌های امنیتی است. باین حال، شکاف‌های داخلی بین اعضا -مانند بین هند و چین- و مواضع متفاوت در تعامل با غرب ممکن است مانع از ایجاد کارایی مثبت بلوک در حوزه ژئوپلیتیک شود. بریکس همچنین در خطر تبدیل شدن به چین محوری است که قدرت و ادعای آن

برای ارائه صدایی به جنوب جهانی را کاهش می‌دهد. حل تنش بین منافع و آرزوهای اعضای موجود بريكس از قبل امری مهم بود. تصمیم برای بیش از دو برابر کردن اندازه گروه با کشورهایی که از آرژانتین تا عربستان سعودی را دربرمی‌گیرند، این امر را دشوارتر خواهد کرد.

در نشست مهمی که در آگوست سال ۲۰۲۳ در ژوهانسبورگ آفریقای جنوبی برگزار شد، از چهار کشور خاورمیانه و شمال آفریقا - مصر، ایران، عربستان سعودی و امارات متحده عربی - دعوت شد تا از اول ژانویه سال ۲۰۲۴ به گروه بريكس بپیوندند که حاکی از توجه به منطقه خاورمیانه است. کشورهای بريكس به دنبال کاهش وابستگی به دلار آمریکا و پرورش جهانی چندقطبی بوده‌اند که در آن جنوب جهانی، نقش محوری‌تری ایفا می‌کند و عصر جدیدی از همکاری‌های اقتصادی و ژئوپلیتیکی را آغاز می‌کند. ورود چندین کشور مطرح منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به بريكس، چندین سؤال اساسی را ایجاد می‌کند: چرا این کشورها به دنبال عضویت در بريكس بودند؟ چه پیامدهای اقتصادی و ژئوپلیتیکی گسترده‌ای ممکن است از این گسترش به دست آید؟ و همکاری کشورهای بريكس برای رسیدگی به چالش‌های امنیتی در خاورمیانه امکان‌پذیر است؟

۲. پیشینه تحقیق

با توجه موضوع پژوهش، در این قسمت، نقد و بررسی آثار موجود مرتبط گزارش شده است:

جدول ۱: خلاصه تحقیقات انجام شده پیرامون موضوع

نام محقق	سال تحقیق	عنوان تحقیق	خلاصه نتایج
سلطانی و شهبازی	۱۳۹۴	بريكس؛ اهداف و چالش‌های پیش رو	بريكس در جهت مدیریت بخشی از اقتصاد جهانی تشکیل شده است. بر طبق نتایج، بريكس توانسته در مدتی اندک، قطب اقتصادی جدیدی را در برابر غرب ایجاد کند و کم‌کم به موضوعات امنیتی و سیاست بین‌الملل نیز پا بگذارد و در صورت رفع برخی آسیب‌ها و چالش‌های پیش روی، خواهد توانست نقش ارزنده‌ای در تغییر و اصلاح ساختار نظام بین‌الملل داشته باشد. این مقاله صرفاً چالش‌های پیش روی بريكس را به‌صورت کلی و

<p>در نظام بین‌الملل بررسی کرده است، درحالی‌که مسئله پژوهش حاضر، نقش این گروه در مقابله با چالش‌های امنیتی در خاورمیانه است.</p>			
<p>بریکس گام‌های قابل‌توجهی در همکاری‌های اقتصادی و توسعه برداشته است، بااین‌حال در تدوین و اجرای دستور کار خود برای رسیدگی به امنیت بین‌المللی موفق نبوده است. این مقاله دستور کار همکاری بریکس در امنیت بین‌المللی را به‌عنوان یک‌نهاد منقطع و درعین‌حال منسجم و یک‌بازیرگر جمعی تأثیرگذار در امور بین‌المللی تحلیل کرده است. نشان داده‌شده که اعضای بریکس می‌توانند همکاری امنیتی خود را درحالی‌که از تجربیات و اولویت‌های توسعه و ایجاد صلح استفاده می‌کنند، افزایش دهند. برخلاف این پژوهش که دامنه همکاری‌های بریکس را در حوزه امنیت بین‌الملل بررسی نموده، پژوهش حاضر به دنبال ارائه فرصت‌ها و موانع گروه بریکس در حل چالش‌های امنیتی خاورمیانه است.</p>	<p>آیا بریکس می‌تواند در امنیت بین‌المللی همکاری کند؟</p>	<p>2017</p>	<p>Abdenur</p>
<p>در این پژوهش، نقش فعالانه چین در مسائل امنیتی خاورمیانه بررسی شده است. برای تحقق و حفظ امنیت و ثبات در خاورمیانه، چین راه‌حل‌های خود را بر اساس اصول احترام به حاکمیت، عدم‌مداخله در امور داخلی سایر کشورها، عینیت و بی‌طرفی، حکمرانی همه‌جانبه و اساسی ارائه کرده است. راه‌حلی‌هایی که چشم‌انداز آن‌ها خوش‌بینانه است. هرچند در این پژوهش ایده‌های چین به‌عنوان یکی از اعضای اصلی بریکس برای حل مسائل امنیتی خاورمیانه بررسی شده، اما آنچه مسئله پژوهش حاضر می‌باشد، همکاری کشورهای گروه بریکس در حل این چالش‌ها با توجه به چارچوب تسوری بازی‌ها بوده است.</p>	<p>راه‌حل‌های چین برای حکمرانی امنیتی در خاورمیانه</p>	<p>2018</p>	<p>Liu & He</p>
<p>در پژوهش خود نشان دادند که تلاش‌هایی در کشورهای درحال‌توسعه برای ایفای نقش مهم‌تر در</p>	<p>بریکس، حکمرانی جهانی، و چالش‌های</p>	<p>2021</p>	<p>Duggan et al</p>

<p>حکمرانی جهانی از سوی گروه بریکس شکل گرفته است. با این حال، چالش‌های مختلف سیاسی و اقتصادی داخلی و بین‌المللی این تلاش‌ها را تحت تأثیر قرار داده است. این پژوهش نیز دامنه مطالعه را دنیای پس‌اگرایی و کشورهای در حال توسعه قرار داده، در حالی که مسئله پژوهش حاضر، همکاری کشورهای بریکس در منطقه خاورمیانه و با تأکید بر مسائل امنیتی آن و در چارچوب تئوری بازی‌ها بوده است.</p>	<p>همکاری جنوب-جنوب در دنیای پس‌اگرایی</p>		
<p>در پژوهش خود با عنوان پتانسیل اقتصادی کشورهای بریکس به عنوان چالشی برای واقعیت‌های مدرن جهان، اهمیت گروه بریکس را در اقتصاد جهانی تحلیل کردند. در این مقاله اشاره شده که بحران مالی تأثیر شدیدی بر گروه بریکس نداشته و عملکرد اقتصادی آن بسیار بهتر از کشورهای توسعه یافته بوده است. عوامل اصلی که منجر به گسترش اقتصادی گروه شد، افزایش نفوذ در تعدادی از بازارها و همچنین مقیاس عظیم منابع از جمله نیروی کار و دسترسی به منابع انرژی بوده است. این پژوهش صرفاً بر وضعیت اقتصادی بریکس، آن‌هم در سطح جهان توجه داشته، در حالی که پژوهش حاضر، با محدود نمودن قلمرو پژوهش به منطقه خاورمیانه، فرصت‌های ناشی از این گروه برای ایران را نیز بررسی نموده است.</p>	<p>پتانسیل اقتصادی کشورهای بریکس به عنوان چالشی برای واقعیت‌های مدرن جهان</p>	<p>2021</p>	<p>Sergeevich et al</p>
<p>«مثلث» آمریکا-چین-روسیه که در طول جنگ سرد ۱۹۴۵-۱۹۹۱ شکل گرفت هنوز هم تأثیر زیادی بر سیاست مدرن جهان دارد. و توازن قوا در این «مثلث» با توانایی واشنگتن، مسکو و پکن برای ارتقای منافع خود در مناطق مختلف جهان تعیین می‌شود. یکی از مهم‌ترین مناطق، خاورمیانه بوده، هست و خواهد بود، جایی که منافع اقتصادی، ژئواستراتژیک و ایدئولوژیک مراکز قدرت پیشرو در دنیای مدرن با هم برخورد می‌کند. این پژوهش</p>	<p>سیاست و استراتژی ایالات متحده، فدراسیون روسیه و چین در خاورمیانه</p>	<p>2022</p>	<p>Batyuk & Morozov</p>

<p>بر مثلث آمریکا، روسیه و چین توجه داشت است. آنچه این پژوهش را دارای اهمیت و مرتبط می‌نماید، وجود روسیه و چین به‌عنوان کشورهای عضو بریکس و توجه آن‌ها به مسائل خاورمیانه است. مسئله‌ای که نشان‌دهنده تفاوت پژوهش حاضر است، همکاری این دو کشور و سایر اعضای گروه بریکس در مقابله با چالش‌های امنیتی خاورمیانه با تأکید بر تئوری بازی‌ها است.</p>			
<p>در این پژوهش نشان داده شده که بریکس می‌تواند از طریق مشارکت‌های بین‌کشوری به حکمرانی جهانی دست یابد، که مستلزم کار بر روی استراتژی‌های داخلی برای تقویت روابط درونی است. این مقاله تلاشی برای بحث در مورد نقش بریکس، با تأکید بر ارتباط آن‌ها با توسعه اقتصادی بوده است. این پژوهش نیز دامنه بررسی خود را مسائل اقتصادی گذاشته، درحالی‌که مسئله پژوهش حاضر، توجه به مسائل امنیتی و چالش‌های ناشی از آن در خاورمیانه است.</p>	<p>نقش بریکس در حکمرانی جهانی برای ترویج توسعه اقتصادی</p>	<p>2022</p>	<p>Vyas-Doorgapersad</p>
<p>این پژوهش صرفاً بر نقش چین در توجه به مسائل خاورمیانه توجه داشته است و نشان داده که در موضوع فلسطین و اسرائیل باید بر لزوم حمایت از غیرنظامیان مطابق با قوانین بشردوستانه بین‌المللی تأکید شود. همچنین زمینه آتش‌بس بشردوستانه پایدار و فوری و ارسال کمک‌های بشردوستانه فراهم شود. این پژوهش بر وضعیت ثبات در خاورمیانه از طریق تلاش‌های دیپلماتیک صلح‌محور چین و افزایش هماهنگی میان کشورهای بریکس تأکید کرده است. اما آنچه دارای نوآوری می‌باشد و در پژوهش حاضر بررسی شده، همکاری همه اعضای بریکس جهت حل مسائل امنیتی خاورمیانه و برقراری صلح و ثبات در آن است. این امر از طریق همکاری و تئوری بازی‌ها انجام گرفته است.</p>	<p>بینش جهانی: هماهنگی چین در چارچوب بریکس جهت تسهیل در امر بازگرداندن صلح به خاورمیانه</p>	<p>2023</p>	<p>Hua</p>

علاوه بر مواردی که ذکر گردید، به سایر منابع و پژوهش‌های مرتبط نیز می‌توان اشاره نمود. از جمله می‌توان به پژوهش‌های خلفی و فیضی (۱۳۹۸) با عنوان جایگاه گروه بریکس در روابط شمال و جنوب؛ شیرخانی و چیت‌ساز (۱۳۹۹) با عنوان روسیه، بریکس و تأثیرگذاری بر ساختار نظام بین‌الملل؛ موتت (۲۰۱۳) با عنوان همکاری و رقابت بین کشورهای بریکس و دیگر قدرت‌های نوظهور؛ ترویتسکی^۱ (۲۰۱۵) با عنوان رویکردهای بریکس به چندجانبه‌گرایی امنیتی اشاره کرد. در پژوهش‌های صورت گرفته، جایگاه بریکس در رسیدن به توسعه اقتصادی و پتانسیل اقتصادی بیش از همه تأکید شده است. نفوذ سیاسی این گروه به واسطه اهمیت اقتصادی آن در نظر گرفته شده که این در کوتاه‌مدت با وجود یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در اقتصاد دنیا کارایی اندکی دارد. اما تأکیدی بر اهمیت سیاسی گروه بریکس نشده که این کشورها می‌توانند قدرت خود را در فرایندهای تصمیم‌گیری بین‌المللی تقویت کنند. آن‌ها با تبادل نظر و همکاری در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد، امنیت، و توسعه، می‌توانند صدای مشترکی در سطح جهانی و به‌ویژه منطقه خاورمیانه به‌عنوان بخش مهمی از دنیا داشته باشند. از نظر امنیتی، این گروه نیروی اقتصادی و نظامی قدرتمندی کسب کرده است و توانایی تأثیرگذاری در رویدادها و بحران‌های جهانی را دارد. این کشورها با همکاری در زمینه مبارزه با تروریسم، تأمین امنیت انرژی، و مواجهه با چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توانند نقش مهمی در تدابیر امنیتی جهانی ایفا کنند. مقاله حاضر با رویکردی متفاوت، تلاشی است برای بررسی فرصت‌های سیاسی و امنیتی بریکس در منطقه خاورمیانه، و امتیاز آن برای ایران به‌عنوان کشوری بانفوذ در منطقه و همین‌طور موانع و محدودیت‌های گروه بریکس در حل چالش‌ها و بحران‌های امنیتی نیز بررسی می‌گردد.

۳. چارچوب نظری: همکاری‌های فرامرزی در چارچوب تئوری بازی‌ها

نظریه بازی‌ها و قواعد تصمیم که اولین بار توسط جان فن نیمن مطرح شد، در بسیاری از زمینه‌های علمی و اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی کاربرد یافته است. نظریه بازی‌ها زمینه‌ای تخصصی در نمایش تعاملات بین عوامل منطقی است که با رقابت، (از جمله درگیری) یا همکاری مشخص می‌شود و هدف آن تعیین استراتژی‌های بهینه در زمینه‌های مختلف برای کاهش درگیری

¹ Mottet

² Troitskiy

³ John von Neumann

است (Ho et al, 2021: 13). در این نظریه، عقلانیت به توانایی عوامل برای ایجاد انتظارات در مورد عوامل ناشناخته، آگاهی آن‌ها از انتخاب‌های بالقوه و تصمیماتی که می‌توانند اتخاذ کنند و گزینش این تصمیمات از طریق فرآیندهای بهینه‌سازی اشاره دارد (Namany et al, 2023: 222). تئوری بازی‌ها به مواردی مربوط به رقابت یا همکاری می‌پردازد که در آن عوامل به‌طور استراتژیک برای دستیابی به یک نتیجه خاص بر اساس ترجیحات خود تعامل دارند. بسته به نوع و روند بازی، نتایج ممکن است با قصد اولیه عوامل و علایق فردی آن‌ها متفاوت باشد (Stanford Encyclopedia of Philosophy, 2019: 78). عملکرد عامل‌ها نشان‌دهنده نوع بازی است. به‌گونه‌ای که در آن منافع کشورها متفاوت است، و موفقیت یک کشور منجر به شکست دیگری می‌شود. درحالی‌که در یک بازی با حاصل جمع غیر صفر، موفقیت یک کشور لزوماً با شکست دیگری همراه نیست و به‌این‌ترتیب، هیچ استراتژی بهینه واحدی وجود ندارد. درواقع، همه عوامل می‌توانند برنده باشند یا ببازند که می‌تواند امکان همکاری را فراهم کند (Madani, 2010: 228). به‌طورکلی، هر بازی توسط گروهی از کشورها انجام می‌شود که مجموعه‌ای از اقدامات را برای اهداف خود اتخاذ می‌کنند. هر اقدام یا حرکتی (یعنی استراتژی‌های انتخاب‌شده) توسط یک کشور، منجر به مجموعه متفاوتی از نتایج می‌شود که نشان‌دهنده نوع بازی است. تصمیم و حرکت هر کشور در بازی بر اساس پیش‌بینی تصمیمات رقبای خود به‌عنوان ابزاری برای پیشی گرفتن از آن‌ها و به حداکثر رساندن منافع خود است. هدف تئوری بازی‌ها، ارزیابی تحلیلی از تعامل استراتژیک و پیامدهای آن‌ها در یک چیدمان منطقی است (Murnigham, 2018: 597-601). تئوری بازی در زمینه‌ها و سناریوهای متنوعی که شامل رقابت و درگیری‌ها می‌شود، ازجمله علوم اجتماعی، اقتصاد، مدیریت منابع، سیاست، برنامه‌ریزی نظامی-امنیتی و غیره استفاده‌شده است. نمونه‌هایی از این کاربردها شامل تعیین همکاری بالقوه بین کشورها برای تشکیل ائتلاف‌های اقتصادی یا سیاسی به‌ویژه در محیط‌های رقابتی است (Ho et al, 2021: 15)، و اغلب با منافع متضاد و اهداف متفاوت مشخص می‌شود؛ نظریه بازی چارچوب‌های ارزیابی و تصمیم‌گیری‌های امیدوارکننده‌ای را ارائه می‌دهد که شناسایی تصمیمات بهینه را با در نظر گرفتن چالش‌ها و معایب، امکان‌پذیر می‌کند. تعیین راه‌حل‌ها برای موارد اشتراک منابع می‌تواند مفید باشد، اجازه می‌دهد تا مذاکرات و ائتلاف‌های بالقوه بین کشورهای هدف به‌عنوان ابزاری برای ممانعت از وضعیت‌های بن‌بست و امکان برقراری ارتباط کارآمد باشد. تئوری بازی همچنین در توانمندسازی مدیریت

منابع یکپارچه مؤثر است، و می‌تواند به سیاست‌گذاری کارآمد کمک نماید (Ghodsvali et al, 2022: 107). از این رو، می‌توان بیان داشت که نظریه بازی‌های برای مدل‌سازی رقابت و همکاری کشورها بسیار مناسب است.

در اکثر موارد در جهت مدیریت منابع، ذینفعان یا به‌شدت رقابت می‌کنند و یا با میل خود برای به اشتراک گذاشتن آن‌ها از طریق تشکیل ائتلاف‌ها، همکاری می‌کنند. این اشکال تعاملات توسط نظریه بازی‌ها با استفاده از دو نوع بازی مختلف، یعنی بازی‌های مشارکتی و رقابتی، مورد توجه قرار گرفته است. بخش‌های ارتباطی شامل چندین بازیگر است که در مناطق رقابتی فعالیت می‌کنند. در برخی موارد، کشورها باید رویکردهای فردگرایانه را اتخاذ کنند که در آن به‌طور مستقل برای بهترین منافع خود عمل کنند.

در بازی‌های رقابتی که با وابستگی متقابل استراتژیک مشخص می‌شوند، امکان توافق بین بازیگران تقریباً غیرقابل تصور است. در موقعیت‌های دیگری، بازی‌های مشارکتی برای مدل‌سازی تعاملات استفاده می‌شوند که در آن، همکاری منافع متقابل ایجاد می‌کند. در زمینه مسائل منطقه‌ای و جهانی، استراتژی‌هایی برای کسب منابع و در نهایت منافع بیشتر توسط دولت‌ها اجرا می‌شود که در چارچوب تئوری بازی‌ها قابل تبیین است.

این تئوری می‌تواند به مذاکره یا چانه‌زنی باهدف جلوگیری از بن‌بست‌ها و اقدامات مشترک کمک کند. رویکرد نظری بازی‌ها سودمندی خود را در پرداختن به درگیری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به‌ویژه در حوزه کالاهای رقابتی نشان داده است (Khurana, 2022: Dickson & Tonin, 2021: Chin et al, 2021)، که حاکی از کاربردهای مختلف تئوری بازی‌ها در مسائل همکاری و رقابتی است. در این پژوهش، تأکید بر همکاری کشورهای بریکس برای رسیدگی به چالش‌های امنیتی منطقه خاورمیانه است. با توجه به وجود مسائلی همچون تروریسم، تنش‌های ژئوپلیتیکی و درگیری‌های تاریخی در این منطقه، این تئوری می‌تواند فرصتی برای تبیین ایده پردازی استراتژی‌ها و راه‌حل‌های نوآورانه کشورهای بریکس برای رسیدگی به چالش‌های امنیتی در این منطقه باشد.

۴. فرایند ظهور و شکل‌گیری بریکس

در سال ۱۹۹۶، یوگنی پریماکوف، وزیر امور خارجه وقت روسیه، دکترین چندقطبی را

مطرح کرد که تا حدی به ایجاد بریکس منجر شد (Rewizorski, 2015: 61). پریماکوف بر تقویت روابط با چین و هند تمرکز کرد و پیشنهاد ایجاد یک مرکز همکاری اقتصادی بین این سه دولت را به عنوان جایگزینی در برابر گسترش غرب پس از جنگ سرد ارائه کرد. جیم اونیل^۱ اصطلاح بریکس را در گزارش گلدمن ساکس در سال ۲۰۰۱ با عنوان ساختن قدرت‌های اقتصادی جهانی بهتر ابداع کرد. این گزارش پیش‌بینی می‌کرد که ظرف ۴۰ تا ۵۰ سال، کشورهای بریکس (به جز آفریقای جنوبی) با کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه برابری می‌کنند و در توان اقتصادی خود از آن‌ها پیشی می‌گیرند. در سال ۲۰۰۶، پنج سال پس از آنکه اونیل مخفف بریکس را ابداع کرد، وزرای خارجه چهار قدرت نوظهور در حاشیه شصت و یکمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد (سازمان ملل)، فرآیند گفتگوی سیاسی را آغاز کردند (Duggan, 2015; Hooijmaaijers & Keukeleire, 2020).

از سال ۲۰۰۸ به بعد، جلسات مختلف وزرای خارجه اعضای بریکس برگزار شد و در سال ۲۰۰۹ اولین اجلاس سران آن برگزار شد. همان‌طور که رابرتز^۲ و همکاران (۲۰۱۷) اشاره کردند، با بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، دونقطه عطف در تکامل بریکس مشخص شد. «اولاً، به‌طور فزاینده‌ای مشخص شد که بین کشورهای بریکس و مشخصات مالی بین‌المللی نسبتاً پایین آن‌ها، تطابق وجود ندارد. چراکه کشورهای مهمی در بازارهای جهانی سهام نبودند، و ارزش‌های ملی آن‌ها معمولاً در معاملات تجاری استفاده نمی‌شد. دوماً، اعضای بریکس مباحثان ماهر یا قابل‌اعتمادی نبودند» (Roberts et al, 2017: 44-45). بنابراین، این عقیده در میان کشورهای بریکس تقویت شد که در برابر قدرت ایالات متحده و موقعیت دلار باید به دنبال تقویت همکاری‌ها باشند. بریکس (از سال ۲۰۱۱ با پیوستن آفریقای جنوبی به آن) بیش از ۲۰ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را تشکیل می‌دهد. با توجه به قدرت رو به رشد بریکس در اقتصاد جهانی، تحلیلگران آن را به‌عنوان موفقیتی محکم، به‌طور فزاینده جامع و مشارکتی، هم به‌تنهایی و هم در داخل گروه ۲۰، به نمایندگی از همه کشورهای نوظهور می‌بینند (Cooper & Stolte, 2019: 711). همکاری‌های مالی تقویت‌شده درونی اعضای بریکس، یک گام اساسی است که همکاری همه‌جانبه کشورهای عضو را تقویت می‌کند (Wang, 2017: 30). مسئله‌ای که موجب شده تا این گروه به بسیاری از مسائل منطقه‌ای و جهانی ورود نماید.

¹ Jim O'Neill

² Roberts

۵. بریکس: از نفوذ اقتصادی تا نفوذ سیاسی

بریکس نقش مهمی در ارتقای سیاست‌های اقتصادی دارد. اما آنچه بیش از همه مهم است این است که نفوذ اقتصادی آن به نفوذ سیاسی تبدیل شود، و در حوزه بازی‌های سیاسی ورود پیدا کند (Ashton, 2012: 1). بحران اقتصادی جهانی که در سال ۲۰۰۸ شروع شد، به‌طور جدی اعتماد سیاسی (و به‌ویژه به اتحادیه اروپا) را تضعیف کرد. برای کشورهای جنوب جهانی، بحران سال ۲۰۰۸ یک تغییر پارادایم بود (مشابه آنچه ۱۱ سپتامبر برای غرب بود)، زیرا تأیید می‌کرد که مدل غربی (با پذیرش نئولیبرالیسم) به تدریج جای خود را به مدل چینی می‌دهد. جایی که یک دولت قوی یک بازار پر جنب‌وجوش را مدیریت می‌کند. پس از سال ۲۰۰۸، بریکس در موقعیت خوبی برای عبور از بحران جهانی قرار گرفت، چراکه با مرور زمان ظرفیت مدیریت سیاست‌های اقتصادی، مالی و پولی خود را حفظ کردند (Financial Times, 11 June 2015). چهار کشور بریکس در ده کشور برتر و بزرگ اقتصادهای جهان (چین، هند، روسیه و برزیل) قرار دارند و تردیدی وجود ندارد که همه کشورهای بریکس با افزایش قدرت اقتصادی خود، منافع و جاه‌طلبی‌های خود را گسترش خواهند داد. در واقع، این دیدگاه کلی وجود دارد که کشورهای بریکس، به‌عنوان یک گروه، به دلیل تنوع منافع خود دارای تمایزاتی هستند. با این حال، خود سازمان بریکس تا حدودی منحصر به فرد است، چراکه کشورهایی را پوشش می‌دهد که نه تنها از نظر جغرافیایی بسیار دور هستند، بلکه از نظر اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز بسیار متفاوت هستند (Gallarotti, 2017: 184). گستردگی این گروه باعث شده تا اعضای این گروه از توجه صرف به مسائل اقتصادی خارج شده و حوزه سیاسی و امنیتی را نیز مورد توجه قرار دهند. هرچند این گروه از زمان تأسیس، به یک پلتفرم مهم برای کشورهای عضو آن برای برگزاری نشست‌های سطح بالا، بحث در مورد مسائل جهانی و ارتقای همکاری در زمینه‌های مختلف مانند تجارت، سرمایه‌گذاری، مالی، علم، فناوری و فرهنگ تبدیل شده است، اما علاوه بر پتانسیل‌های اقتصادی، توجه به مسائل سیاسی و امنیتی در بخش‌های کلیدی همچون خاورمیانه مورد توجه قرار گرفته است.

۶. چالش‌های امنیتی خاورمیانه

منطقه خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک خاص خود همواره در طول تاریخ مورد توجه و نگاه قدرت‌های فرا منطقه‌ای بوده است، اما در طول نزدیک به یک قرن و در

پی اکتشاف منابع انرژی، اهمیتی صدچندان یافته و امروزه می‌توان گفت نبض اقتصاد انرژی جهان در آن می‌زند. در طول چندین دهه، بسیاری از مسائل امنیتی پیچیده در خاورمیانه، مانند مناقشه اسرائیل و فلسطین، بحران هسته‌ای ایران، درگیری‌های سوریه و تروریسم و غیره، بر امنیت و ثبات منطقه تأثیر زیادی گذاشته است (Liu & He, 2018: 32). این منطقه بنا بر دلایل ژئوپولیتیکی، انرژی و ایدئولوژی از چالش‌های به‌مراتب بیشتری از دیگر مناطق جهان برخوردار است که وجود بازیگری چون اسرائیل در آن بر میزان حساسیت آن می‌افزاید. مسئله تروریسم، درگیری‌ها و تنش‌های ژئوپولیتیکی نیز همواره در این منطقه طنین‌انداز بوده است. به‌طور کلی این منطقه با چالش‌های امنیتی گسترده و متنوعی روبه‌رو است. برخی از اصلی‌ترین چالش‌های امنیتی در این منطقه عبارت‌اند از:

❖ تهدیدات تروریسم و بی‌ثباتی: خاورمیانه در برابر گروه‌های تروریستی مانند داعش، القاعده و طالبان که تلاش می‌کردند به کشورهای منطقه و حتی مناطق دیگر نفوذ و تأثیرگذار شوند، در معرض خطر قرار داشت. این خطر با ضعف دولت‌های مرکزی و تقویت کشورهای غربی از گروه‌های تروریستی همچنان نیز احساس می‌شود. بارها اعلام‌شده که وضعیت بی‌ثباتی در مناطقی مانند لبنان، سوریه و عراق و همچنین حملات تروریستی در انواع شکل‌ها باعث بروز نگرانی‌ها درباره امنیت شده است. شرایط امنیتی در منطقه خاورمیانه بسیار پیچیده است و تنش‌ها و جنجال‌های مداوم ممکن است آینده منطقه را به‌طور قابل توجهی از لحاظ استقرار صلح و امنیت تحت تأثیر قرار دهد. در واقع، از دهه ۱۹۸۰، خاورمیانه بیش از هر منطقه دیگری درگیری‌های مسلحانه را تجربه کرده است (Norlén, 2022: 107).

❖ نزاعات منطقه‌ای: خاورمیانه عمده‌تاً دارای مشکلات مربوط به امنیت مانند جنگ‌ها و درگیری‌های اعراب-اسرائیل، جنگ‌ها و درگیری‌های اعراب-ایرانی، درگیری‌های اعراب-عربی، جنگ‌ها و درگیری‌های ایالات متحده-خلیج فارس و اخیراً رادیکالیسم و حملات تروریستی بوده است (Marafi, 2009: 6). وجود منازعات و تنش‌ها بین کشورهای خاورمیانه به علت تفاوت‌های سیاسی، مذهبی و قومی نقش مهمی در ایجاد چالش‌های امنیتی دارد. تعارضات ترکیه و کردستان عراق یا نزاعات بین دولت‌های منطقه مانند اختلاف بین ایران و عربستان سعودی (که اکنون در شرایط متعادل قرار دارد)، و یا نزاع اسرائیل با فلسطین که در شرایط فعلی در حساس‌ترین و مهم‌ترین برهه آن به سر می‌بریم و غزه در معرض اشغال کامل توسط اسرائیل است و تنش‌های

مرتبط با صحرای غربی، امنیت منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این نگرانی‌ها از اهمیت جغرافیایی سیاسی آن ناشی می‌شود، چراکه آفریقا، آسیا و اروپا در آنجا به هم نزدیک می‌شوند. علاوه بر این، بخش بزرگی از منابع انرژی قابل بازیافت متعارف جهان را در خود جای داده و یک گذرگاه کلیدی بین آسیا و اروپا است (Bakr, 2013: 2).

❖ بحران‌های ناشی از جنگ‌ها و تداخل‌های نظامی: بحران‌های ناشی از جنگ‌های داخلی و تداخل‌های نظامی در کشورهایی مانند سوریه، عراق، یمن و لیبی، به مشکلات امنیتی و انسانی جدی در منطقه منجر شده است. کشورهای این منطقه از جمله عربستان سعودی، ایران، عراق، کویت، امارات متحده عربی و قطر با در اختیار داشتن ۶۵ تا ۷۰ درصد از ذخایر نفت جهان، کشورهای کلیدی تأمین انرژی در جهان هستند. مسئله انرژی، رادیکالیسم مذهبی و قومی و حملات تروریستی از جمله دلایل جنگ‌های این منطقه است (Marafi, 2009: 7).

❖ برنامه‌های هسته‌ای و تسلیحاتی: برنامه هسته‌ای ایران برای توانمندی‌های هسته‌ای خود و تشدید تحریم‌های بین‌المللی، در منطقه و جهان به یک چالش امنیتی تبدیل شده است.

❖ بحران پناهجویان و مهاجرت: منطقه خاورمیانه دارای یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های پناهندگان و جنگجویان مهاجر است. تعداد زیادی پناهنده و مهاجر در جستجوی پناه و بهترین حالت زندگی به مناطق دیگر مهاجرت می‌کنند و این وضعیت برای کشورهای میزبان چالش‌هایی ایجاد می‌کند. مانند آنچه پس از آغاز جنگ‌های داخلی در یمن، لیبی و سوریه پس از قیام‌های عربی در سال ۲۰۱۱ اتفاق افتاد. افزایش جریان پناهجویان و جمعیت‌های آواره، نگرانی‌های بشردوستانه و سیاسی را به دنبال داشته است (Rhodes, 2019: 346). تنها ایده موج‌های پناهجویان، ورود به اروپای توسعه‌یافته یافته است، چیزی که عمیقاً سیاست‌گذاران اروپایی را نگران می‌کند. مقامات اروپایی، از یک‌سو، در تلاش‌اند تا از جریان گسترده مهاجران غیرقانونی جلوگیری کنند. از سوی دیگر، اکثر دولت‌ها در تلاش‌اند تا با روایت‌های ضد مهاجر در جوامع خود مقابله کنند (Zaccara & Gonçalves, 2021: 15).

۷. فرصت‌های امنیتی بریکس در خاورمیانه

رویکردهای دیپلماتیک، مکانیسم‌های حل مناقشه، همکاری‌های منطقه‌ای و ظرفیت مزایای بالقوه همکاری بریکس را در تقویت امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه نشان می‌دهد. با بررسی پتانسیل

و نفوذ سیاسی کشورهای بریکس امکان تلاش‌های ضد تروریستی، پیشگیری از درگیری و ثبات در منطقه مشخص می‌گردد. تغییر ساختار منظومه امنیت جهانی از شکل دوقطبی آن در قرن بیستم و گرایش آن به ساختار هژمونیک دلالت بر آن دارد که مفهوم امنیت در قرن ۲۱ در گستره جهانی به میزان زیادی با مقوله «اعمال قدرت» و «استقرار سلطه» ارتباط دارد و از این حیث گرایش جهانی به سوی پیوندهای چندگانه مانند بریکس جهت حل بحران‌ها و چالش‌ها اهمیت دارد.

هر یک از اعضای بریکس قابلیت‌های بسیاری دارند. به‌عنوان مثال، برزیل و روسیه عمدتاً بر ذخایر عظیم معدنی و فعالیت تجاری در بازارهای بین‌المللی متکی هستند. چین از مزیت نیروی کار و منابع ارزان‌قیمت با قیمت پایین برخوردار است. هند نیز به نیروی کار ارزان متکی است. همه کشورهای بریکس، به‌جز برزیل، نرخ بسیار بالایی از سرمایه‌گذاری را نشان می‌دهند (Sergeevich et al, 2021: 2). این قابلیت‌ها به اعمال نفوذ آن‌ها در منطقه می‌افزاید. اعضای بریکس اقدامات گسترده‌ای را برای مهار جهانی‌شدن و محدود کردن هزینه‌های تعدیل اقتصادی و سیاسی برای تضمین ثبات داخلی انجام می‌دهند (Roberts, 2011: 5). بریکس تمایلی به مشارکت کامل در نظم بین‌المللی موجود غربی را ندارد و عموماً فقط در صورتی به سمت کالاهای عمومی جهانی تمایل دارد که نیازهای داخلی آن‌ها را تأمین کند.

چین در جهت فروش مواد خام به آفریقا و روسیه در جهت فروش تسلیحات به خاورمیانه، و هند در جهت قراردادهای انرژی تلاش می‌کنند. در این میان، برزیل و آفریقای جنوبی عمدتاً بازیگران منطقه‌ای هستند. نقش چین در خاورمیانه کمی گسترده‌تر است. حضور رو به رشد پکن در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین بالکان غربی فرصت‌های اقتصادی و سیاسی را برای این کشورها فراهم می‌کند تا جایگزین اتحادیه اروپا و ایالات متحده برای کشورهای این منطقه باشد (Liu, 2014: 173).

بهار عربی و جنگ‌های داخلی جاری در سوریه و لیبی چالش‌هایی را برای چین ایجاد کرده است، اگرچه در بسیاری از مسائل موضع بی‌طرفی را حفظ کرده است. حمایت این کشور از روسیه در بحران سوریه نشان می‌دهد که نقش بریکس به‌عنوان یک عامل استراتژیک در حال افزایش است (New York Times, 27 March 2013). روسیه برخلاف چین، فاقد موانع ژئوپلیتیکی است و فعالانه از گروه بریکس برای گسترش نقش جهانی خود استفاده می‌کند. روسیه از زمان تأسیس سازمانی این گروه (در سال ۲۰۰۶)، نیروی محرکه اصلی بریکس بوده است.

مسکو بریکس را «الگوی جدیدی از تعامل جهانی می‌داند که خارج از چارچوب خطوط تقسیم قدیمی شرق و غرب ساخته شده است» (Nikonov, 2013: 7).

روسیه با توجه به موقعیت اقتصادی ضعیف خود، از قدرت اقتصادی چین در بریکس سود زیادی می‌برد. برعکس، چین از بریکس به‌عنوان پوششی برای دفاع از منافع ملی خود در یک محیط چندجانبه به‌ویژه در خاورمیانه استفاده می‌کند. این بدان معنا نیست که منافع روسیه و چین همیشه با هم منطبق هستند. با این حال، اجرای رزمایش مشترک توسط نیروی دریایی روسیه و چین در دریای مدیترانه (در اطراف سوریه، در ماه مه ۲۰۱۵)، به‌عنوان نشانی از درک مشترک آن‌ها از چالش‌ها و تهدیدها و همچنین نیاز به بازسازی جهان کنونی به نمایش گذاشته می‌شود (The Telegraph, 11 May 2015).

نفوذ اعضای بریکس در منطقه خاورمیانه به‌طور ویژه گسترش یافته است. چین به‌طور فعال در حال افزایش تعامل خود با کشورهای این منطقه است که عمدتاً بر اساس نیازهای انرژی خود هدایت می‌شود. در نتیجه کاهش واردات نفت اتحادیه اروپا و ایالات متحده از منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا؛ به چین فرصت کافی برای تبدیل شدن به یک شریک اقتصادی بزرگ برای خاورمیانه و شمال آفریقا داده شده است. این منطقه همچنین به تدریج در حال تبدیل شدن به بازاری در حال رشد برای محصولات چینی (عمدتاً کالاهای مصرفی مقرون به صرفه) است. با توجه به اینکه خاورمیانه منطقه‌ای پرخطر و بی‌ثبات است، چین تمایلی به تبدیل شدن به یک بازیگر استراتژیک واقعی ندارد. با این حال، از آنجایی که منافع اقتصادی چین در این منطقه در حال افزایش است (انتظار می‌رود صادرات نفت به چین تا سال ۲۰۳۵ دو برابر شود)، نقش سیاسی و استراتژیک فعال‌تر تقریباً اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. همان‌طور که کری براون می‌گوید، «مسائل اقتصادی رو به رشد پکن در خلیج فارس لزوماً با نیاز فزاینده آن همراه است» (Brown, 2014: 6).

بریکس نقش مهمی در بحث بین‌المللی در مورد ارتباط مسئولیت حفاظت با توجه به جنگ‌های (داخلی) در لیبی و سوریه ایفا کرد. حتی استدلال شده که: موفقیت یا شکست جنگ‌های این منطقه در آینده تا حدود زیادی به نحوه راهبردهای اعمال شده اعضای این گروه بستگی دارد (Garwood-Gowers, 2013: 81). بنابراین، گفتمان پیرامون بریکس به حوزه امنیت جهانی و خاورمیانه نیز منتقل شده است. جنگ داخلی سوریه نقش فزاینده آن‌ها در مسائل امنیتی را ثابت کرد. در اکتبر ۲۰۱۱، روسیه و چین (با حمایت رأی ممتنع برزیل، هند و آفریقای

جنوبی) به پیش‌نویس قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل که توسط اروپا خواستار پایان دادن به سرکوب اعتراضات توسط سوریه بود، رأی منفی دادند. بریکس هماهنگ و به‌عنوان یک گروه استراتژیک برای جلوگیری از درخواست غرب برای «تغییر رژیم» در سوریه عمل کرد.

نشست ژانویه ۲۰۱۳ بریکس در دهلی‌نو پیشرفت این گروه را تأیید می‌کند، چراکه (برای اولین بار) مشاوران امنیت ملی پنج کشور بریکس یک نشست مستقل برای بحث در مورد اقدامات مشترک در زمینه‌های امنیتی مانند امنیت سایبری، دزدی دریایی، مبارزه با تروریسم و امنیت منطقه‌ای (به‌ویژه در غرب آسیا و شمال آفریقا)، و همچنین درگیری‌های سوریه برگزار کردند (Russia & India Report, 14 January 2013) که حاکی از ورود آن‌ها به مسائل مهم منطقه‌ای و جهانی است. بریکس ظرفیت این را دارد که نقش ویژه‌ای را در معادلات خاورمیانه ایفا کند. بریکس در منطقه باید فرصتی را فراهم کند که هم از نظر ژئوپلیتیکی (ارتقای سیاست‌های خارجی چندجانبه خود) و هم از نظر مادی (در قالب پرداخت برای ترانزیت و استفاده از زیرساخت‌ها) از آن بهره‌مند شوند (Karn & Karn, 2016: 3).

۸. فرصت‌های بریکس برای ایران

اهمیت ژئوپلیتیکی ایران در خاورمیانه، آن را به کانونی برای بحث در مورد امنیت منطقه تبدیل کرده است. فرصت بریکس از نظر اقتصادی برای ایران در کوتاه‌مدت، راهی برای دور زدن تحریم‌های بین‌المللی می‌باشد. تحریم‌های اعمال‌شده توسط ایالات متحده پس از خروج ترامپ، از برجام ضعیف‌کننده بوده و ایران برای کاهش تأثیر تحریم‌ها به چنین همکاری‌هایی چشم دوخته است. این استراتژی یک فرصت است. بریکس به ایران چارچوبی نهادی برای گسترش تجارت بین‌المللی خود و کاهش تأثیر انزوای اقتصادی تحمیلی ایالات متحده ارائه می‌کند. پیشنهادات روسیه مبنی بر اینکه تجارت در داخل بریکس می‌تواند با ارزش‌های ملی انجام شود و چشم‌انداز ارز جدید بریکس، مزایای قابل توجهی را برای تهران نوید می‌دهد. از آنجایی که بریکس به افق رشد نگاه می‌کند، بانک توسعه جدید آن برای ایران که مستاصل از تزیق بودجه جدید می‌باشد، اهمیت بیشتری خواهد یافت. فرصت بریکس در درازمدت، با چین و روسیه به‌عنوان بازیگران اصلی، به‌خوبی با دیدگاه ایران در مورد یک ضد هژمون جهانی همسو می‌باشد. این استراتژی با سیاست این دو کشور سازگار است چون چین و روسیه نیز درگیر رقابت طولانی با ایالات متحده هستند.

مقامات ایران این مسئله را بهترین فرصت برای ایجاد فشار هماهنگ برای نظم جهانی جایگزین می‌دانند. فرصت‌های بریکس برای ایران در اقتصاد خلاصه نمی‌شود بلکه علاوه بر آن بریکس برای ایران جایگاه امنیتی و سیاسی نیز می‌تواند داشته باشد. حمایت ایران در سیاست‌های منطقه‌ای و بده بستان نظامی با کشورهای بریکس می‌تواند در نظر گرفته شود. همچنین در زمینه فعالیت ایران در خاورمیانه برای تروریسم زدایی بریکس می‌تواند تعیین‌کننده باشد. همین‌طور مسئله فرآیند هسته‌ای شدن ایران به‌واسطه نفوذ سیاسی و اقتصادی بریکس سریع‌تر دنبال می‌شود.

۹. موانع بریکس در حل چالش‌های امنیتی خاورمیانه

البته ما باید چالش‌ها و محدودیت‌های کشورهای بریکس را که به‌عنوان یک کاتالیزور برای امنیت منطقه‌ای در خاورمیانه عمل می‌کنند، به‌طور انتقادی ارزیابی کنیم. در نظر گرفتن (۱) تفاوت‌ها در منافع ملی، (۲) تنش‌های ژئوپلیتیکی و (۳) درگیری‌های تاریخی که ممکن است مانع از همکاری مؤثر شود، ضروری است. (۴) همچنین ممکن است موانعی به دلیل ائتلاف‌های منطقه‌ای رقابتی و پویایی‌های سیاسی وجود داشته باشد.

علی‌رغم نشانه‌های موفقیت بریکس، برخی از کارشناسان آن را یک ابتکار کوتاه‌مدت می‌دانند که هدف آن پرداختن به چالش‌های محدود آشکارشده توسط بحران مالی جهانی است (Petropoulos, 2013). چراکه پس از بحران مالی جهانی، سرعت کند رشد اقتصادی باعث ایجاد شک و تردید در مورد توانایی‌های آن شد (Petropoulos, 2013; Christensen, 2013). از این‌رو، آینده این گروه را به چالش می‌کشند. سایر نقدها بر فقدان منافع مشترک و استراتژی چندجانبه جمعی و «روش‌های متفاوت برای وجود و انجام کارها» تمرکز دارند (Byrappa, 2017: 81). باین‌حال بریکس گام‌های قابل توجهی در همکاری‌های اقتصادی و توسعه‌ای برداشته است، اما در تدوین و اجرای دستور کار خود برای رسیدگی به امنیت بین‌المللی به‌اندازه کافی موفق نبوده است. در زمینه مسائل امنیتی همکاری کندتر بوده است و دلایل متعددی دارد.

سه نوع تلاش مرتبط با امنیت که از اولین نشست سران در سال ۲۰۰۹ انجام شده است. این‌ها شامل تلاش برای هماهنگی مواضع در مورد مسائل امنیتی خاص، یعنی درگیری‌های مسلحانه و مواضع هنجاری مرتبط؛ تلاش برای هماهنگ کردن سیاست‌ها؛ و ابتکارات نهادسازی بوده است. بحث‌های امنیتی بریکس بر دسته اول متمرکز شده است، یا برخی تلاش‌ها برای

هماهنگ کردن سیاست‌ها و کمترین پیشرفت در نهادسازی در عرصه امنیت صورت گرفته است. همچنین تفاوت‌های اساسی بین کشورهای بریکس در سطوح سیاسی، اقتصادی، نظامی و جمعیتی قابل مشاهده است. تفاوت‌های فزاینده در توسعه اقتصادی و سیاسی کشورهای بریکس، زمینه تناقض در سیاست‌ها و در نتیجه، چالش‌هایی در مناطق مختلف را به وجود آورده است.

یکی از چالش‌های اصلی بریکس، تنوع منافع ملی در میان کشورهای عضو آن است. هر کشور بریکس در اجرای دیپلماسی خود نیازها، اولویت‌ها و استراتژی‌های متفاوتی دارد. واضح است که تعارض استراتژیک اعضای بریکس و حتی گاهی متناقض، بر نزدیکی استراتژیک آن‌ها تأثیر می‌گذارد. نقش بازدارنده روسیه و چین به‌عنوان دو بازیگر جهانی در گروه بریکس، دارای نگرانی‌های ویژه‌ای برای سایر اعضای گروه است. «روسیه، به لطف ذخایر انرژی گسترده خود، تنها قدرتی است که هیچ علاقه‌ای به ثبات خاورمیانه ندارد» (Blank, 2014: 16). این امر می‌تواند مانع از فرآیند تصمیم‌گیری جمعی و رسیدن به اجماع در دستیابی به اهداف مشترک به‌ویژه در مسائل سیاسی منطقه خاورمیانه شود. اختلافات سیاسی می‌تواند مانعی در دیپلماسی آن‌ها باشد. تفاوت در سیستم‌های سیاسی، ایدئولوژی‌ها و سیاست‌های خارجی می‌تواند بر توانایی بریکس برای همکاری مؤثر تأثیر بگذارد. درگیری‌های سیاسی داخلی یا خارجی بین اعضای بریکس می‌تواند مانع تلاش‌های دیپلماتیک آن‌ها شود و روند تصمیم‌گیری جمعی را پیچیده کند (Melya Putri & Teguh Santoso, 2023: 18). در یک جمع‌بندی چالش‌های امنیتی و مطرح‌شده بریکس را می‌توان دسته‌بندی زیر ارائه نمود:

اول علی‌رغم علاقه فزاینده آشکار اعضای ائتلاف به همکاری در مسائل امنیتی بین‌المللی، بریکس یک اتحاد دفاعی نیست. اگر حملات نظامی از طرف سایر کشورها صورت گیرد و یکی از کشورهای بریکس وارد جنگ شود، کشورهای عضو دیگر موظف به دفاع از آن نیستند، یعنی اتحاد نظامی و ضمانت اجرای آن در گروه بریکس مغفول مانده است.

دوم، ائتلاف بریکس یک گروه نسبتاً جدید است (کمتر از یک دهه موجودیت دارد). به همین منظور برخی با شک و تردید به آن می‌نگرند. و نهادینه شدن آن، علیرغم داشتن ائتلاف، صورت نگرفته است. باوجوداینکه برخی از روابط دوجانبه بین اعضا، به‌ویژه آن‌هایی که با چین وجود دارد حتی خارج از ابتکار بریکس به‌طور قابل توجهی به عمیق‌تر شدن این روابط کمک کرده است. باین‌حال فاصله سیاسی و دورافتادگی جغرافیایی در میان کشورهای بریکس و در برخی از موارد،

حتی رقابت‌های ژئوپلیتیکی، مانند مورد چین و هند اعتمادسازی و تقویت زیرساخت‌های متقابل را مشکل می‌کند.

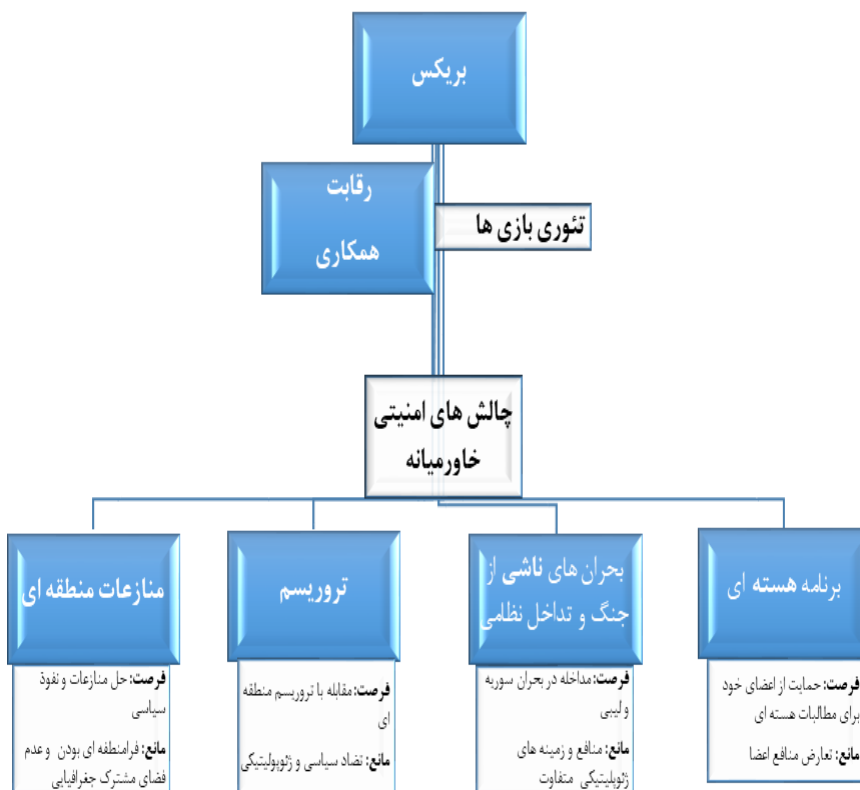
سوم، بریکس یک نهاد فرا منطقه‌ای است. برخلاف سازمان‌های منطقه‌ای که با تکیه بر منافع مشترک جغرافیایی و فضایی تعریف شده برای توسعه، یک دستور کار مشترک برای آن‌ها وجود دارد، در این گروه هیچ منطق جغرافیایی و فضایی هم‌جواری وجود ندارد یعنی ائتلاف جامع و فراگیر نیست. این مانعی بزرگ بر سر راه همکاری امنیتی است. بیشتر تهدیدات امنیتی در خاورمیانه صورت می‌گیرد. و فقط روسیه چین و هند در مجاورت یکدیگرند در حالی که برزیل و آفریقای جنوبی فضای سیاسی کاملاً متفاوتی دارند. یک فضای جغرافیایی، برای همکاری تعریف شده مانند یک کمربند، یا یک جاده به‌عنوان نقطه کانونی توسعه بین این کشورها برقرار نیست.

چهارم، انشعاب بین اعضای بریکس در شورای امنیت سازمان ملل، هرچند نه لزوماً یک مانع برای همکاری امنیتی است اما به‌طور کلی، نشان‌دهنده یک نکته اختلاف در موقعیت و نفوذ آن‌ها در حوزه امنیت بین‌المللی محسوب می‌گردد. مجموع کشورهای بریکس در بالاترین جدول بین‌المللی جایگاهی ندارند. بحث‌های امنیتی اعضای **P-5**، حتی زمانی که از اصلاحات حمایت می‌کنند و یا حتی آشکارا از یک نامزد خاص برای کرسی دائمی حمایت می‌کنند، برای گروه بریکس مبهم و حل نشده باقی مانده است. همچنین مسئله کشورهای هسته‌ای و غیرهسته‌ای بود. در حالی که روسیه، چین و هند تسلیحات هسته‌ای دارند، دو کشور دیگر داوطلبانه از هسته‌ای خود دست کشیدند و ایران که خواستار هسته‌ای شدن است و از طرف آمریکا مخالفت و با تحریم روبه‌رو می‌شود برای دیگر اعضا اولویت نیست. به علت همین عدم تقارن قدرت موانعی برای همکاری در برخی از جبهه‌های کلیدی وجود دارد. این محدودیت‌ها نه تنها در قدرت سخت، بلکه در ظرفیت فردی آن‌ها برای تأثیرگذاری بر بحث‌های کلیدی در شورای امنیت، قابل توجه است.

پنجم، منافع و زمینه‌های ژئوپلیتیکی این کشورها در روابط آن‌ها با کشورهای همسایه و کشورهای دیگر مثل ایالات متحده بسیار متفاوت است. به‌عنوان مثال، چین تلاش می‌کند در جهت افزایش رقابت با ایالات متحده بر سر نقش دومی بودن در امنیت آسیا از سوی دیگر، در برزیل مشکلات داخلی بسیار جدی است، خشونت پراکنده که در نرخ بالای قتل در این کشور دیده می‌شود. همچنین کشورهای بریکس در مواضع و سیاست‌های خود نیز اختلاف نظر دارند مبارزه با تروریسم در سه مورد از این کشورها، یعنی روسیه، چین و هند که با مبارزات و مسائل داخلی

مواجه هستند و ممکن است گروه‌هایی را در زمره تروریست محسوب کنند یا نکنند. در حالی که برزیل و آفریقای جنوبی با شورش‌های قلمرو-محور مواجه نیستند و یا گروه‌های داخلی ندارند که به‌طور رسمی توسط آن دولت‌ها سازمان‌های تروریستی تلقی می‌شوند. در واقع، در برزیل اغلب از گفتمان‌های سیاست خارجی که استفاده می‌شود، انتقاد شده و برچسب تروریسم برای توجیه مداخلات نظامی مردود شمرده می‌شود.

در نهایت، مسئله تضاد ژئوپلیتیکی بین روسیه و کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده و متحدانش در ناتو، از زمان الحاق کریمه برای سایر کشورهای بریکس، به‌ویژه کشورهای دموکراتیک، معضلات ایجاد می‌کند.



نمودار ۱: ترسیم مسیر فرصت‌ها و موانع بریکس در مقابله با چالش‌های امنیتی خاورمیانه

نتیجه گیری

گروه بریکس به عنوان یک سازمان در راستای همکاری‌های توسعه‌ای، در دهه اول شکل‌گیری خود، در جهت دادن به امنیت بین‌المللی جایگاهی ویژه پیدا کرده است. باید به این گروه از زاویه‌ای منطقی نظر کنیم چراکه هنوز در ابتدای راه است و کشورهای عضو آن به مرحله شناخت دقیق یا اعتماد کامل از همدیگر نرسیده‌اند. همچنین به‌طور کامل نهادسازی درون‌گروهی و اجرای آن صورت نگرفته است. با این حال مسئله امنیت و چالش‌های امنیتی در این گروه مهم شده و مسئولیتی برای بریکس در جهان و منطقه خاورمیانه رقم‌زده است. همکاری بریکس در رابطه با مسئله امنیت، متأثر از محدودیت‌های داخلی و خارجی، از جمله فقدان علاقه فضایی و جغرافیایی مشترک، عدم تقارن در نفوذ و موقعیت و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی متفاوت است. با وجود اینکه این محدودیت‌ها کارایی و مؤثر بودن بریکس را در کوتاه‌مدت کمرنگ می‌کند، اما قابل حل بوده و در بلندمدت برای همکاری در حوزه‌های امنیتی خاص محدودیتی ایجاد نمی‌کنند. همچنین از زاویه دیگری، با وجود اختلاف بین کشورهای بریکس در مورد نحوه برخورد با تروریسم، رقابت در حوزه امنیت غذایی، امنیت انرژی و دریایی، نگرانی‌های منازعات منطقه‌ای و مسئله جنگ در خاورمیانه، مسیری برای این گروه باز شده است تا بتواند هرچه بیشتر نفوذ اقتصادی و سیاسی خود را افزایش دهد. در رابطه با نفوذ اقتصادی، از زمان اجرای برنامه‌های توسعه و پایداری بریکس کارهای مهمی صورت گرفته است. و از نظر نفوذ سیاسی و امنیتی نیز حضور این گروه در منازعات خاورمیانه و چالش‌های امنیتی آن قدم مهمی از نظر بوده است. البته تاکنون، دستاوردهای سازمانی کشورهای بریکس بیشتر اقتصادی بوده و در سطح جهانی بر ابتکارات توسعه مانند بانک توسعه جدید تمرکز کرده‌اند. ولی از نظر نفوذ سیاسی و امنیتی بریکس آینده متفاوتی را رقم خواهد زد. به شرطی که از نظر نهادسازی و تعیین دستور کار مشخص هشیارانه عمل کند. در زمینه مداخلات نظامی و تبادلات تسلیحات نظامی بین اعضا قدمی بردارد و تعارض منافع بین اعضا به حداقل ممکن برسد. جامعه بین‌المللی اقدامات پیشگیرانه بریکس در خاورمیانه را می‌بیند و از آن استقبال می‌کند و این به معنای تثبیت جایگاه بریکس در نظام بین‌الملل است. همچنین نقش بریکس در جلوگیری از درگیری‌های مسلحانه نگاه ویژه سازمان ملل به این گروه و حمایت از آن را می‌تواند افزایش دهد. اگر بریکس مکانیسم‌ها و مدل‌هایی برای مقابله با علل ساختاری یا ریشه‌ای درگیری‌های مسلحانه در خاورمیانه اجرا کند مشروعیت آن تقویت می‌گردد و به تبع آن در

خاورمیانه که سرشار از انرژی طبیعی و معدنی است، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها صورت می‌گیرد. این روند بریکس مثبت بوده و مؤسسه‌هایی را راه‌اندازی می‌کنند که به پیشگیری از درگیری و نزاع اختصاص دارند و می‌تواند به‌عنوان کمک‌کننده به صلح و ثبات اقدام کرده و برنامه امنیتی خود را در جهت صلح، توسعه پایدار و پیشرفت کشورهای جهان و منطقه خاورمیانه پیش ببرند.

- Abdenur, A. (2017). Can the BRICS Cooperate in International Security. *International Organisations Research Journal*, 12 (3): 73–93.
- Ashton, C. (2012). *Speech on EU Foreign Policy towards the BRICS and Other Emerging Powers*. European Parliament, Brussels.
- Assad Sends Letter to Emerging Powers Seeking Help to End Syrian War. *New York Times*, 27 March 2013.
- Bakr, N. (2013). *Security Challenges in the Middle East*. Arms Control: Does it have a Future Chapter: Security Challenges in the Middle East Publisher: ROSSPEN Publisher Moscow Editors: Segey Oznobishchev.
- Batyuk, V.I., & Morozov, Y.V. (2022). Politics and Strategy of the United States, the Russian Federation, and China in the Middle East. *Her. Russ. Acad. Sci*, 92 (4): 321–330.
- Blank, S.J. (2014). Russian Strategy and Policy in the Middle East. *Israel Journal of Foreign Affairs*, 8 (2): 10-26.
- BRICS NSAs Thrash Out Security Agenda for Durban Summit. *Russia & India Report*, 14 January 2013.
- Brown, K. (2014). *Mixed Signals: China in the Middle East*. FRIDE Policy Brief, no. 190, December.
- Byrappa, R. (2017). Comparing Immanuel Wallerstein's Critique of the BRICS with that of the Creation of the United Nations. *Dvacáté století*, 9 (2): 73–86.
- Chin, H.H., Varbanov, P.S., & Klemeš, J.J., & Bandyopadhyay, S. (2021). Subsidised water symbiosis of eco-industrial parks: A multi-stage game theory approach. *Computers & Chemical Engineering*, 155 (21): 107-139.
- Christensen, S.F. (2013). Brazil's Foreign Policy Priorities. *Third World Quarterly*, 34 (2): 271–286.
- Cooper, A.F., & Stolte, C. (2019). Insider and Outsider Strategies of Influence: The BRICS' dualistic approach towards informal institutions. *New Political Economy*, 25 (5): 703–714.
- Dickson, A., & Tonin, S. (2021). An introduction to perfect and imperfect competition via bilateral oligopoly. *Journal of Economics/ Zeitschrift fur Nationalokonomie*, 133 (2): 103-128.
- Duggan, N. (2015). *BRICS and the Evolution of a New Agenda Within Global Governance*. In Rewizorski Marek (ed.) *The European Union and the BRICS Complex Relations in the Era of Global Governance*. Cham: Springer International Publishing.
- Gallarotti, G.M. (2017). The practical paradox: The BRICS as a venue for soft power. *In Hermès, La Revue*, 79 (3): 183-191.
- Garwood-Gowers, A. (2013). The Responsibility to Protect and the Arab Spring: Libya as the Exception, Syria as the Norm. *University of New South Wales Law Journal*, 36 (2): 70-90.

- Ghodsvali, M., Dane, G., & de Vries, B. (2022). An online serious game for decision-making on food-water-energy nexus policy. *Sustainable Cities and Society*, 87 (22): 104-120.
- Ho, E., Rajagopalan, A., & Skvortsov, S. (2021). *Arulampalam, and M. Piraveenan*. Game Theory in defence applications: a review, Nov.
- Hooijmaaijers, B. (2021). Understanding Success and Failure in Establishing New Multilateral Development Banks: The SCO Development Bank, the NDB, and the AIIB. *Asian Perspective*, 45(2): 445–467.
- Hooijmaaijers, B., & Keukeleire, S. (2020). *The BRICS Countries and the EU*. In Laursen Finn (ed.) *The Encyclopedia of European Union Politics*. Oxford: Oxford University Press.
- Hua, X. (2023). *World Insights: China's coordination within BRICS facilitates restoration of peace in Middle East*.
- Karn, A., & Karn, R. (2016). BRICS Dream: BRICS in International Stabilization and Reconstruction Efforts. *Open Access Library Journal*, 3 (16): 1-6.
- Khalafi, J., & Faizi, F. (2018). The position of the BRICS group in North-South relations. *Journal of Political and International Studies*, 10 (38): 291-273. [in Persian]
- Khurana, C. (2022). Review of game theory applications in international trade. *International Journal of English Literature and Social Sciences*,
- Liu, S., & He, L. (2018). China's Solutions to Security Governance in the Middle East: An Assessment. *Asian Journal of Middle Eastern and Islamic Studies*, 11 (4): 32-45.
- Liu, T.V. (2014). China's Economic Engagement in the Middle East and North Africa', FRIDE Policy Brief, no. 173, January 2014.
- Madani, K. (2010). Game theory and water resources (Feb). *Journal of Hydrology*, 381 (3–4): 225-238.
- Marafi, K. (2009). Security Concerns In The Middle East For Oil Supply: Problems And Solutions. In: Stec, S., Baraj, B. (eds) *Energy and Environmental Challenges to Security*. NATO Science for Peace and Security Series C: Environmental Security. *Springer, Dordrecht*, 9 (15): 5-17.
- Melya Putri, F., & Teguh Santoso, M.P. (2023). BRICS Diplomacy: Building Bridges for Global Cooperation. *Politics and Humanism*, 2 (1): 10-21.
- Mottet, L. (2013). *Cooperation and Competition among the BRICS Countries and Other Emerging Powers*. French Centre for Research on Contemporary China (CEFC).
- Murnigham, J.K. (2018). *Game Theory, in The Palgrave Encyclopedia of Strategic Management*. Palgrave Macmillan, UK.
- Namany, S., Govindan, R., & Al-Ansari, T. (2023). Operationalising transboundary cooperation through game theory: An energy water food

- nexus approach for the Middle East and North Africa. *Futures*, 152 (111): 103-148.
- Nikonov, V. (2013). *BRICS: Analysing the Security Dimension*. BRICS Information Centre.
- Norlén, T.C. (2022). Middle East Pre-Existing Conditions: Regional Security after Covid-19. *Development and Change*, 29 (1): 104-124.
- O'Neill, J. (2001). *Building Better Global Economic BRICs*. Goldman Sachs Global Economics.
- Petropoulos, S. (2013). The Emergence of the BRICS: Implications for global governance. *Journal of International and Global Studies*, 4 (2): 37-51.
- Rewizorski, M. (2015). *Participation of the European Union and the BRICS in the G20*. In Rewizorski Marek (ed.) *The European Union and the BRICS: Complex Relations in the Era of Global Governance*. Cham: Springer.
- Rewizorski, M. (2018). BRICS and New Multilateral Development Banks: Towards recalibration of global economic governance. *Przegląd Strategiczny*, 11 (18): 281-298.
- Rhodes, S. (2019). Middle East North Africa (MENA) Refugee Crisis: Digital Resources in Review. *Review of Middle East Studies*, 52 (2): 344-347.
- Rich Countries to Resume Growth Role as Developing Nations Stumble. *Financial Times*, 11 June 2015.
- Roberts, C. (2011). *Building the New Order BRIC by BRIC*. The European Financial Review.
- Roberts, C., Armijo, L.E., & Katada, S.N. (2017). *The BRICS and Collective Financial Statecraft*. New York, NY: Oxford University Press.
- Russia-China Clinch Tightens with Joint Navy Exercises in Mediterranean. *The Telegraph*, 11 May 2015.
- Sciaudone, C. (2015). Brazil's Political Crisis Puts the Entire Economy on Hold. *BloombergBusiness*, 18 August 2015.
- Sergeevich, E., Aleksandrovich Rozhin, A., Vosiev, S., & Kosnikov, S. (2021). The economic potential of the brics countries as a challenge to modern world realities. *Propósitos y Representaciones*, 9 (3): 1-9.
- Shirkhani, M.A.; Chitsaz, M. (2019). Russia, BRICS and influencing the structure of the international system. *Quarterly Journal of Central Asia and Caucasus Studies*, 26 (111): 57-83. [in Persian]
- Soltani, F., & Shahbazi, M. (2014). BRICS; Goals and upcoming challenges. *Journal of Political and International Studies*, 6 (24): 166-197. [in Persian]
- Stanford Encyclopedia of Philosophy. (2019). *Game Theory*. [Online]. Available: <https://plato.stanford.edu/entries/game-theory/>.
- Troitskiy, M. (2015). BRICS Approaches to Security Multilateralism. *ASPJ Africa & Francophonie*, 5 (15): 76-88.

- Vyas-Doorgapersad, S. (2022). The role of BRICS in global governance to promote economic development. *Africa's Public Service Delivery and Performance Review*, 10 (1): 630-648.
- Wang, F. (2017). Intra-Brics Financial Cooperation: Opportunities and challenges. *İktisadiyat*, 1 (1): 39-50.
- Zaccara, L., & Gonçalves, M. (2021). Migrants, Refugees, and Displaced Persons in the Middle East and North Africa: An approach from the Global South. *REMHU: Revista Interdisciplinar da Mobilidade Humana*, 29 (63): 13-20.